

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی ربیافت

سال شانزدهم، شماره ۵۸، بهار ۱۴۰۱

صفحه ۱۷۵ تا ۱۹۲

مقایسه ابعاد فقهی عملیات استشهادی در نیروهای محور مقاومت با عملیات انتحاری تکفیری‌ها

فاطمه انصاری / فاطمه انصاری (استاد مدعو، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران، (نویسنده مسئول). fa.ansar92@gmail.com

رضا نیکخواه / استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ایران r.nikkhah@urmia.ac.ir

سیدمهدی قریشی / استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران smgorshi@urmia.ac.ir

چکیده

دفاع و مقاومت در برابر دشمنان و نحوه مواجهه با تهدیدات و پاسخگویی به آنان از موضوعات محوری در عرصه فقه سیاسی در اسلام به شمار می‌رود. برخی بهره‌گیری از هر روش خشونت‌باری برای شکست دادن دشمن را توجیه می‌کنند و برخی دیگر نیز با استناد به حق دفاع مشروع و لازمه دفاع از کیان اسلامی، شرایط و معیارهایی برای عملیات نظامی در نظر می‌گیرند. مصادیق این گروه‌ها به ترتیب گروه‌های تکفیری با بهره‌گیری از عملیات انتحاری هستند و گروهی دیگر محور مقاومت هستند که با استناد به عملیات استشهادی، مقاومت و دفاع در برابر تجاوز خارجی را نمی‌پذیرند و خواهان مقابله با آن هستند. سؤالی که مطرح می‌شود این است: دیدگاه فقه اسلامی نسبت به عملیات استشهادی در نزد گروه‌های محور مقاومت و عملیات انتحاری تکفیری‌ها چگونه است؟ پاسخی که می‌توان به این سؤال داد این است که استدلال گروه‌های تکفیری که با استناد به هر روش تروریستی خود و دیگران را به هلاکت می‌رسانند، منجر به عملیات تروریستی می‌شود و قابل پذیرش نیست. اما محور مقاومت برای حفظ جان خود و دیگران و تنها در شرایطی که مورد تهاجم و تجاوز دشمن قرار گیرند، از عملیات استشهادی بهره می‌برند. روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع فقهی به شیوه استنباطی صورت می‌گیرد.

کلیدواژه: عملیات استشهادی، عملیات انتحاری، گروه‌های تکفیری، محور مقاومت، فقه سیاسی.

تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

مقدمه

تهدیدات امنیتی و ضرورت مقابله با آنان یکی از وظایف اساسی دولت‌ها و نظام‌های سیاسی به شمار می‌رود. این ضرورت بیش از همه در جوامع اسلامی نمود یافته است که براساس آن، یکی از دغدغه‌های مهم نظام‌های سیاسی مقابله با تهدیدات امنیتی و حراست از جان و مال مردم است. در پاره‌ای از مواقع، تهدیدات حاضر از مبحث دفاع فراتر رفته و به عملیات نظامی بر علیه مخالفین و سایر دولت‌ها نیز به کار گرفته می‌شود. ضمن اینکه، امروزه، مسئله اسلام‌هراسی که سابقه آن به دوران ظهور اسلام بر می‌گردد، در رأس اخبار رسانه‌های دنیا قرار گرفته است. اصلی‌ترین بازیگران اسلام‌هراسی، گروه‌های تکفیری همانند القاعده، جبهه‌النصره، داعش و بوکوحرام هستند که مخالفان خود از دیگر مذاهب و فرقه‌های اسلامی را تکفیر و با کوچک‌ترین عاملی آنان را از دین اسلام خارج کرده و حکم به وجوب قتل آنان می‌دادند. شروع این پدیده مخرب از خوارج آغاز شده و هم‌اکنون در دو قرن اخیر در وهابیان تندرو و جریان‌های سلفی تکفیری تجلی پیدا کرده است. جریان‌هایی هستند که در مقابل امت اسلامی قرار گرفته‌اند و با استفاده از آیاتی که درباره کفار و مشرکان صدر اسلام و اقوام جاهلی نازل شده، مسلمانان را متهم به کفر و شرک می‌کنند و اعمال مسلمانان را مطابق اعمال کفار قلمداد می‌کنند. این گروه‌ها با داشتن افکاری خشن، باعث ایجاد اختلاف و تشّت و درگیری میان مسلمانان شده و دشمنان اسلام را خشونت می‌کنند. شایان ذکر است گروهی از تکفیری‌ها، اهل تکفیر اعتقادی‌اند؛ به این معنا که مخالفان اعتقادی خود را تکفیر می‌کنند و حکم قتل آنان را می‌دهند. از طرفی دیگر برخی گروه‌های محور مقاومت نیز وجود دارند که هدف اصلی آنان دفاع از کیان اسلامی در برابر تهدیدات دشمنان است و به جای عملیات انتحاری از عملیات استشهادی برای توجیه عملیات نظامی خود بهره می‌برند. به طور کلی درباره توجیه عملیات نظامی دو دسته دیدگاه وجود دارد؛ برخی تلاش می‌کنند تا با تمسک به آیات و روایات، دلایلی برای اعمال خشونت بار خود بیاورند. از جمله این گروه‌ها، گروه‌های تفکیری-تروریستی هستند. تکفیری عنوانی است که به گروه‌های اسلامی که از حربه تکفیر برای مقابله با مخالفان و دشمنان خود استفاده می‌کنند، اطلاق می‌شود. آنان گروه‌هایی از مسلمانان هستند که به دلیل اعتقادشان به سیره و اندیشه سلف و استفاده از حربه تکفیر در مقابل مخالفان خود به این نام (تکفیری) نامیده می‌شوند. این گروه‌ها که از درون سلفیه بیرون آمده‌اند، امروزه به بزرگترین

مشکل دنیای اسلام تبدیل شده و باعث ایجاد خسارات جبران ناپذیر مادی و معنوی به جهان اسلام گردیده اند (آگشته، ۱۳۹۶: ۱۸۱-۱۵۹). دسته دوم نیز گروه‌های محور مقاومت هستند که از عملیات استشهادی برای دفاع از تهدیدات علیه خود استفاده می‌کنند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که مبانی فقهی و دلایل بهره‌گیری گروه‌های مختلف از عملیات استشهادی و عملیات انتحاری چیست؟ به عبارتی دیگر، از منظر فقهی میان عملیات استشهادی مورد استناد گروه‌های محور مقاومت و گروه‌های تکفیری- تروریستی با استناد به عملیات انتحاری چه تفاوتی وجود دارد؟ به همین دلیل پژوهش حاضر درصدد است تا به این ابهامات پردازد و توجهیات ارائه شده گروه‌های مختلف را بر مبنای قواعد فقهی توضیح دهد.

۲-۱. پیشینه تحقیق

«دشتی، محمد، بررسی فقهی و حقوقی عملیات استشهادی و مقایسه آن با خودکشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۳ش»؛ در این پایان‌نامه با تفکیک عملیات استشهادی از خودکشی (انتحار)، مشروعیت شهادت طلبی در آیات، روایات، سیره معصومین و فقهای شیعه و سنی و نیز دفاع مشروع که انجام عملیات استشهادی ابزار لازم برای دفاع است، از نظر حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته است. «اصغری، علیرضا، مقایسه مبانی و شرایط عملیات استشهادی و عملیات انتحاری و بررسی آنها به لحاظ قانونی و فقهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۶ش»؛ این پایان‌نامه در سه محور مشروعیت عملیات استشهادی، شرایط این نوع عملیات و تفاوت آن با انتحار و عملیات انتحاری، بیان می‌شود.

در دو پایان‌نامه اخیر و پژوهش‌های مشابه، تنها به بررسی عملیات انتحاری و مقایسه آن با عملیات استشهادی می‌پردازند، این در حالی است که موضوع رساله حاضر بعد از پرداختن اجمالی به تفاوت این دو عملیات، بررسی ممنوعیت عملیات انتحاری در اسلام و حقوق بین‌الملل، بررسی و نقد دیدگاه تکفیری‌ها در استناد به قاعده ترس برای مشروعیت بخشی به عملیات انتحاری می‌باشد.

پژوهش‌های دیگری از جمله:

«سیاه رستمی، هاجر، حمایت از غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱»؛ در این پایان

نامه نویسنده به بررسی این مطلب می‌پردازد که جامعه بین‌المللی چه تدابیری برای کمک‌رسانی به غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه اندیشیده و چه اقداماتی در این زمینه به عمل آورده است. «آل بتول، سید محسن، حمایت از غیرنظامیان در جنگ از منظر اسناد بین‌المللی و حقوق اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۸ش»؛ در این پایان‌نامه مبنای حمایت از غیرنظامیان در حقوق بشردوستانه اسلامی و بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته، سپس به تبیین اصول حمایتی حاکم بر حقوق غیرنظامیان پرداخته می‌شود. بعد از آن نیز اقشار غیرنظامی مورد حمایت خاص، مورد شناسایی قرار گرفته و با نگاهی بر منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی، جنبه‌های مختلف حمایت از این افراد، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

در پژوهش‌های ذکر شده به بررسی جنبه‌های مهم عملیات تکفیری و استشهادی پرداخته شده است، اما آنچه در پژوهش حاضر دنبال می‌شود و با استناد به دلایل فقهی درصدد مقایسه عملیات انتحاری مورد استناد تکفیری‌ها و عملیات استشهادی گروه‌های مقاومت برآمده است، به عنوان رویکردی بدیع شناخته می‌شود. لذا با توجه به اطلاعات نگارنده به رغم وجود این پژوهش‌ها، تاکنون پژوهش مستقلی با این عنوان انجام نشده است.

۲. مبانی نظری تحقیق؛ استشهاد و عملیات تکفیری

۲-۱. استشهاد و ابعاد آن

استشهاد در لغت به معنای طلب شهادت و کشته شدن در راه خدا است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ۲۳۸) و عملیات استشهادی در اصطلاح چنین تعریف می‌شود: شیوه جدیدی برای مقاومت و رویارویی با دشمن با وسایل و ابزار جدید کشته‌کننده که در گذشته معمول نبوده است. مجری آن، یقین یا ظن غالب دارد که خودش نیز در جریان عملیات به شهادت می‌رسد (ورعی، ۱۳۸۲، ۳۱۹). عملیات استشهادی، یکی از جلوه‌های مهم و تأثیرگذار فرهنگ جهاد و شهادت در اسلام است. در منابع کهن اسلامی، می‌توان این مفهوم را با عناوینی چون هجوم تک نفره به جمع زیادی از دشمنان پیگیری کرد (ابن نحاس، بی‌تا، ۲۸۷). در این باره سرخسی می‌نویسد: «اگر مسلمانی به تنهایی به سمت هزار نفر از دشمنان هجوم ببرد و امید پیروزی و از بین بردن برای آنان را داشته باشد، اشکالی بر او متوجه نیست؛ زیرا او با این عمل، نیت پیروزی بر دشمن داشته است» (سرخسی، ۱۹۷۱، ج ۱، ۱۵۲). نووی نیز با عبارت «خود را در

معرض سختی‌های جنگ انداختن» (نوی، ۱۳۹۲، ج ۱۲، ص ۱۸۷) و ابن حجر عسقلانی با عبارت «بذل نفس در جهاد و ارزش وفای به عهد با وجود قبول مشقت که از بین رفتن جان را در پی داشته باشد» اراده عملیات استشهادی کرده‌اند (عسقلانی، ۱۳۷۹، ۲۳:).

عملیات استشهادی به معنی خاص که در حال حاضر در جهان اسلام مطرح است، روش نوینی می‌باشد برای مقاومت و رویارویی با دشمن که با وسایل و ابزار جدید کشنده، که در گذشته معمول و معروف نبوده، انجام می‌شود و مجری آن یقین یا ظن غالب دارد که خودش نیز در جریان عملیات به شهادت می‌رسد (نواف هایل تکروی، ۱۹۹۷، ص ۳۵). برخی عملیات استشهادی را اینگونه تعریف نموده‌اند: «عمیات استشهادی به معنای عام آن به اقدامی اطلاق می‌شود که شخصی با قصد قربت و با علم به شهادت و با هدف ضربه زدن به دشمن، به انجام آن مبادرت می‌ورزد و در این راه کشته می‌شود (ورعی، ۱۳۸۲، ۳۱۹:).

عملیات استشهادی در واقع طلب شهادت و عملی آگاهانه در راه خدمت به دین و دفاع از آن است. از این رو طلب شهادت و طلب مرگ براساس تعصب کور، دو مقوله کاملاً متفاوت‌اند، زیرا در طلب شهادت به غیر از باور و اعتقاد شخصی، لازم است نصوص و متون دینی معتبر نیز عمل را تأیید کنند، ولی طلب مرگ براساس تعصب جزم اندیشانه، تنها باور و اعتقاد شخصی را به همراه داشته و هیچ گونه تأییدی از قرآن، سیره و سنت رسول الله در آن یافت نمی‌شود. عملیات استشهادی بر پایه ایمان راستین، بینش، بصیرت درونی و آگاهی استوار است، ولی عملیات انتحاری تنها ناشی از خشم درونی است که برای ارضای حس انتقام جویی و رهایی از بن بست فکری انجام می‌گیرد. در واقع یکی شجاعت و دیگری حماقت است (داودآبادی، ۱۳۸۹، ۱:).

شهید مطهری در بیانی در این باره می‌گوید: گرایش‌های ایمانی مذهبی موجب آن است که انسان تلاش‌هایی علیرغم گرایش‌های طبیعی فردی انجام دهد و احیاناً هستی و حیثیت خود را در راه ایمان خویش فدا سازد، این در صورتی میسر است که ایده انسان جنبه تقدس پیدا کند و حاکمیت مطلق بر وجود انسان بیابد. تنها نیروی مذهبی است که قادر است به ایده‌ها تقدس ببخشد و حکم آنها را در کمال قدرت بر انسان جاری سازد. گاهی افرادی نه از راه ایده و عقیده مذهبی، بلکه تحت فشار عقده‌ها،

کینه توزی‌ها، انتقام‌گیری‌ها و بالاخره به صورت عکس‌العمل شدید در برابر احساس فشارها و ستم‌ها، دست به فداکاری می‌زنند و از جان، مال و همه حیثیات خود می‌گذرند؛ هم‌چنان که نظایرش را در گوشه و کنار جهان می‌بینیم، ولی تفاوت این ایده مذهبی و غیرمذهبی این است که آنجا که پای عقیده مذهبی به میان آید و به ایده قداست بیخشد، فداکاری‌ها از روی کمال رضایت و به طور طبیعی صورت می‌گیرد، فرق است میان کاری که از روی رضا و ایمان صورت گیرد که نوعی انتخاب است، با کاری که تحت تأثیر عقده‌ها و فشارهای ناراحت‌کننده‌ی درونی صورت می‌گیرد که نوعی انفجار است. بدین سان، عملیات استشهادی، فاقد مؤلفه سوم (رسیدن به هدفی نامشروع) و مؤلفه چهارم (اقدام غافل‌گیرانه، مخفیانه و ظالمانه) از مؤلفه‌های عملیات تروریستی انتحاری است؛ چرا که اقدام به عملیات استشهادی، به ویژه در فلسطین و لبنان، جز در مقام دفاع (آن هم دفاع مشروع از هستی و موجودیت خود) یا در حالت اضطرار، صورت نمی‌گیرد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۰).

۲-۲. عملیات انتحاری و ابعاد آن

انتحار در لغت به معنای «خودکشی (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۹۵) و عملیات انتحاری به معنای «خودکشی و دیگرکشی» است (امیر، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴). ریشه لغوی انتحار «نحر» است، نحر به معنای بالای سینه و زیر گلو (جبران مسعود، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۷۲۶) گودی بالای سینه که زیر گلو قرار دارد (افرام البستانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۷۲۶) ذبح شتر (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۸۱)، و معانی دیگر به کار رفته است. مرحوم جوهری و واسطی در قبال دیگر معانی «انتحر» را به «نحر»، تفسیر نموده، «نحر» را به معنای خودکشی دانسته‌اند. «أنتحر الرجل، أي نحر نفسه» (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۸۲۴) «أنتحر الرجل، إذا نحر، أي قتل نفسه» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۵۱۱). در هر حال، گذشته از موارد اندک که واژه به معنای خودکشی به کار رفته است، این معنا برای این واژه چندان پشتوانه لغوی ندارد. در «نحر» مواردی هم که واژه «نحر» به معنای خودکشی به کار رفته است، به کمک انضمام به کلمه بعد از خودش بوده است؛ مانند «نحر نفسه» همچنان که در ترکیب‌های دیگر، به معنای دیگر نیز استعمال شده است. مثل «نحرالشهر» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۹۶)؛ «انتحار» که به معنای اول ماه به کار رفته است، اما انتحار را اهل لغت به معنای خودکشی به کار برده‌اند (افرام

البستانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۹۳۶) الانتحار: انتحر: «إذا نحر نفسه» (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۶۵۱۳) همچنان که این معنا از عبارت مرحوم جوهری و واسطی نیز به دست می‌آید. اگرچه برخی انتحار را به معنای «جدال و منازعه» نیز به کار برده‌اند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۸۱) و برخی از لغت نگاران معانی دیگری را از قبیل «زدن با عصا» و «باریدن باران» نیز برای آن ذکر کرده‌اند (معلوف، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۸۸۹) ولی از این که این معانی تنها در برخی از کتب لغت آمده است و بسیاری از لغویان این معانی را برای واژه انتحار ذکر نکرده‌اند، می‌توان معنای «خودکشی» را رایج‌ترین و پذیرفته شده‌ترین انتحار دانست. نتیجه این که؛ اگرچه نحر از لحاظ لغوی ریشه و اساس انتحار به حساب می‌آید، ولی به کار بردن نحر در لغت عرب به معنای خودکشی پذیرفته شده نیست. مگر این که به کلمه دیگری اضافه شود مانند «نحر نفسه»؛ اما اهل لغت انتحار را به معنای قتل نفس خویش و خودکشی دانسته‌اند.

معنای اصطلاحی انتحار نیز در همان مفهوم اولیه و لغوی آن محدود می‌شود و جدا از معنای لغوی انتحار، نمی‌توان برای آن معنای اصطلاحی متفاوت با معنای لغوی ارائه کرد (مشکینی، بی تا، ص ۹۱). یعنی در اصطلاح نیز واژه انتحار را در مورد کسی به کار می‌برند که دست به خودکشی می‌زند و حیاتش را خاتمه می‌بخشد (عبدالرحمن، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۱). بدیهی است که انتحار با انگیزه‌های مختلف و متفاوتی از قبیل؛ مشکلات روزمره زندگی، افسردگی، ناکامی، رسیدن به پوچی و نیافتن معنا برای زندگی و ... صورت می‌گیرد. با این اوصاف، مؤلفه‌های عملیات انتحاری به شرح زیر است:

۱- خشونت و توسل به زور

در عملیات تروریستی انتحاری، زوایای مختلف خشونت را می‌توان مشاهده نمود؛ قتل، جرح و تخریب از ویژگی‌های اساسی چنین اقدام‌هایی است. این ویژگی در قریب به اتفاق تعاریف ارائه شده از تروریسم، آمده است.

۲- ایجاد وحشت و ترس و فشار

در اقدام تروریستی انتحاری، هدفی دنبال می‌شود که از رهگذر ایجاد فشار به دولت یا جامعه‌ی مورد هدف و تولید وحشت فرآینده، در تلاش است که بدان دست یابد.

۳- اطمینان از رسیدن به اهداف غیرمشروع

علاوه بر معنای هدف مشروع و غیرمشروع که نسبت به شرایط، اوضاع، جوامع و دولت های مختلف، متفاوت است؛ هر اقدام تروریستی انتحاری، دارای اهدافی است که حداقل از سوی جامعه یا دولت مورد هدف، نامشروع تلقی می شود. هر چند ممکن است از سوی برخی دیگر از جوامع یا دولت ها هدفی مشروع تلقی گردد. اما آن چه مسلم است رسیدن به این هدف از راه اعمال خشونت صورت می گیرد. البته این هدف را نمی توان منحصر در اهداف سیاسی دانست؛ چرا که امروزه ترور با انگیزه های مذهبی و ایدئولوژیک نیز واقع می شود.

۴- اقدام غافل گیرانه، مخفیانه و ظالمانه

برخلاف مشخصه جنگ ها، در اقدام های تروریستی فرد یا گروه تروریستی تا می تواند موضع خود را منافقانه، غیر مشخص، پنهان، و غافل گیرانه قرار می دهد؛ زیرا که عمده ترین عامل بالا بردن تأثیرگذاری بر هدف خود را در جهت ارباب، غافل گیری می بیند. این مؤلفه در روح اغلب تعاریف ترور آمده است؛ چرا که ترور اگر غافل گیرانه و مخفیانه نباشد، به سرانجام نمی رسد و دولت ها مانع از وقوع آن خواهند شد. ظالمانه از این جهت است که در بیش تر موارد بمب گذاری، قتل، و سایر اقدام های تروریستی، مردم بی گناه مورد هدف قرار می گیرند.

۵- علم لازم به کشته شدن و تحقق این موضوع در جهان خارج:

با این وصف، یکی از اتهامات غرب به منظور ایجاد پیوند میان اسلام و تروریسم، که همان یکی شمردن تروریسم انتحاری با عملیات استشهادی است، پیش می آید و در این چارچوب، یکی از مصادیق عملیات تروریستی، عملیات استشهادی قلمداد می گردد. این در حالی است که اسلام نسبت به انواع تروریسم، نگرشی منفی داشته و از این رو بر اساس آموزه های اسلامی، عملیات انتحاری کاملاً مردود و مغایر با مبانی فقهی و حقوقی به شمار می رود.

۲-۳. تفاوت استشهاد و انتحار

عملیات استشهادی به معنی خاص که در حال حاضر در جهان اسلام مطرح است، روش نوینی می باشد برای مقاومت و رویارویی با دشمن است که با وسایل و ابزارهای جدید کشنده، که در گذشته معمول و معروف نبوده، انجام می شود و مجری آن یقین یا ظن غالب دارد که خودش نیز در جریان عملیات به شهادت می رسد (نواف هایل تکروی، ۱۹۹۷، ص ۳۵). همین رویه در سطح گسترده ای مورد استفاده گروه های مقاومت شیعی

در منطقه می شود که برای دفاع مشروع و مقابله با دشمنان از آن بهره می برند. این رویه به طور مشخص از عملیات انتحاری که مورد استفاده گروه‌های تکفیری-تروریستی می باشد، متمایز است. از آنجا که عملیات استشهادی از نظر شکلی به انتحار و خودکشی شباهت دارد، عده‌ای آن را همان انتحار و خودکشی می دانند، لکن دقت در عملیات شهادت طلبانه نشان می دهد که این رفتار هم از جهت «قصد و انگیزه»، هم از نظر «آثار و پیامدها» و هم از جهت «هدف و غایت» با انتحار تفاوت اساسی دارد. غفلت از شکاف عمیقی که میان این دو گونه رفتار و عوامل آن وجود دارد، سبب شده که عده‌ای آن را با انتحار اشتباه بگیرند.

۳. تفاوت عملیات استشهادی و عملیات انتحاری

برای آنکه بتوان میان عملیات استشهادی که مورد استناد گروه‌های مقاومت شیعی است و عملیات انتحاری که مورد استناد گروه‌های تکفیری است، تمایزی قائل شد، نیازمند بررسی رویکردهای فقهی نسبت به این دو هستیم. توضیح اینکه در عملیات استشهادی، اولاً: قصد و انگیزه اقدام کننده، اعتلای کلمه الله و دفاع از ایمان و اعتقاد و مقدّسات دین و سرزمین اسلامی است؛ به همین دلیل به شرف شهادت نایل می شود. ثانیاً: هدفش از جنبه شخصی نیل به فوز عظیم شهادت و سعادت ابدی است و از جنبه اجتماعی کشتن یا مجروح ساختن دشمن و ضربه زدن به او، ایجاد رعب و وحشت در جبهه دشمن و روحیه بخشیدن به مسلمانان است. ثالثاً: چنین شخصی از جنبه فردی دارای قدرت و قوت روحی، شجاعت و شهامت و ایمان و اعتقادی راسخ است که با آگاهی کامل قدم در این میدان می گذارد. در حالی که شخصی که خودکشی می کند، در هیچ یک از ابعاد سه گانه یاد شده کمترین شباهتی به مجاهد فی سبیل الله ندارد، نه قصد و انگیزه اش الهی است، نه در مقام دفاع از ایمان و اعتقاد دینی است، بلکه عمل او نشانه بی ایمانی یا ضعف ایمان است که با ارتکاب عمل خودکشی و گناه کبیره گرفتار عذاب الهی می شود، هدفی نیز جز نفله کردن خود و راحت شدن از گرفتاری های روحی خود ندارد. از جنبه اجتماعی نیز کمترین تأثیری در رشد اجتماع یا مقابله با دشمن ندارد. اساساً چنین فردی با خود مشکل دارد. شخص ضعیف النفسی است که برای گریز از مشکلات و گرفتاری ها و واقعیات زندگی به حیات خود خاتمه می دهد (نواف هایل تکروری، ۱۹۹۷: ۱۷). با این وصف «عملیات انتحاری» که عبارت است از اقدام به کشتن دیگران همزمان با قتل خویش و در ظاهر و بعضی اوصاف

شبهت به عملیات استشهادی دارد، اگر دارای ملاک جهاد دفاعی باشد؛ یعنی برای دفاع از اسلام و مسلمانان و دفع تجاوز از بلاد اسلامی و علیه متجاوزان و اشغال گران انجام شود و دیگر شرایط عملیات استشهادی را داشته باشد، همان عملیات استشهادی است، ولی اگر فاقد ملاک و شرایط مذکور باشد و علیه انسان‌های بی گناه و کسانی که نقشی در تجاوز و اشغال‌گری ندارند؛ انجام شود، نوعی انتحار و خودکشی است و از نظر اسلام گناه کبیره و حرام است و ادله حرمت قتل نفس شامل آن می‌شود. صاحب‌نظران اهل سنت، برای مشروعیت اقدام استشهادی، این شروط را ذکر کرده اند:

۱- اخلاص و قصد قربت و رضای الهی؛ (ابن نحاس، بی تا، ۲۸۷)

۲- توان جسمی و قدرت بدنی؛ (قرطبی، ۲۰۰۳، ج ۲، ۲۶۳)

۳- وجود مصلحت برای اسلام و مسلمانان؛ (ابن قیم جوزیه، ۱۴۲۸، ۲۶۳)

۴- احتمال قتل یا جرت دشمن و بی فایده نبودن آن؛ (سرخسی، ۱۹۷۱، ج ۱، ۱۶۴)

۵- با اذن امیر و فرمانده و با برنامه ریزی دقیق و پرهیز از اقدامات خودسرانه؛ (ابن عثیمین، بی تا، ۲۲، ۱۵)

در صورتی که این شرایط برای انجام استشهادی وجود نداشته باشد، این اقدام، خودکشی و حرام است (قرطبی، ۲۰۰۳، ج ۲، ۳۶۳). مهم‌ترین دلیلی که عملیات‌های انتحاری گروه‌های تکفیری را از استشهادی جدا می‌کند، وجود مصلحت برای اسلام و مسلمانان و وجود اذن امیر و برنامه ریزی است. به همین علت آنان مجبور به تحریف این بخش از شروط استشهادی شده اند و وجود مصلحت اسلام و مسلمانان را شرط کمال می‌دانند و نه شرط جواز (فلسطینی، ۱۴۳۱، ۹۱). اذن امیر را نیز لازم نمی‌دانند (فلسطینی، ۱۴۳۱: ۹۲). بدین سبب به راحتی اقدامات انتحاری خود را با نام استشهادی توجیه کرده و با اغفال برای جوانان، آنان را وادار به انجام انتحاری می‌کنند. اقداماتی که امروزه گروه‌های تکفیری انجام می‌دهند، نه تنها هیچ مصلحتی برای اسلام و مسلمین ندارد، بلکه مفسد آن به اندازه‌ای است که دین اسلام را یک دین ضدانسانی معرفی می‌کند. چگونه می‌توان پذیرفت، دینی که پیامبر آن، رحمت برای عالمیان است، این‌گونه پیروان خود را از دم تیغ می‌گذرانند و به هیچ کوچک و بزرگی رحم نمی‌کنند. اهتمام رسول الله به نمایان ساختن جنبه‌های رحمانی دین، به اندازه‌ای است

که وقتی ایشان، معاذ بن جبل را برای تبلیغ دین به یمن فرستادند (طبری، بی تا، 3، ص ۱۰۰)، تأکید کردند که «آسان بگیر و سخت نگیر، بشارت بده و باعث ایجاد تنفر نشو، با آنان همراه شو و با آنان اختلاف نکن» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۴: ۶۵). چرا جریان‌های تکفیری این سیره پیامبر اکرم (ص) را نادیده گرفته و با اعمال بدترین نو جنایت علیه مخالفان خود، امت پیامبر (ص) را بدنام می‌کنند؟

۳-۱. اقوال فقهای شیعه و تفاوت عملیات استشهادی با انتحار

همانطور که بیان شد، عملیات استشهادی، عملیاتی فداکارانه، قهرمانانه و استشهادی است. این نوع عملیات، انتحار نیست و انجام دهنده آن منتحر نیست؛ زیرا منتحر به خاطر خودش دست به خودکشی می‌زند، ولی شهادت طلب بخاطر دین و امتش خودش را می‌کشد. شخص منتحر ناامید از خود و رحمت خداوند است ولی انسان مجاهد امید کامل به رحمت خداوند دارد. منتحر به خاطر رهایی از خود و دردها و رنجهای خود دست به خودکشی می‌زند، ولی مجاهد و شهادت طلب با این سلاح جدید با دشمن خدا و دشمن خودش مبارزه می‌کند.

۳-۱-۱. اقوال فقهای شیعه

علامه سید محمد حسین فضل‌الله به عنوان یکی از فقهای شیعی، درباره تفاوت عملیات استشهادی و عملیات انتحاری معتقد است که برخی درباره عملیات استشهادی به آیه‌ای از قرآن اشاره می‌کنند که می‌گوید: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» بر مبنای همین آیه بر این عقیده است که برخی گمان می‌کنند که هر عملیاتی که انسان می‌داند در جریان آن کشته می‌شود عملیات انتحاری و در اسلام حرام است. در حالی که در مورد امور فردی و شخصی، به هلاکت افکندن خود حرام است و نه در مساله جهاد؛ زیرا اساس جهاد این است که انسان در معرض خطر و کشته شدن قرار گیرد. بنابراین به هلاکت افکندن خود در جایی است که انسان «در غیر جهاد» خود را در معرض هلاکت قرار دهد؛ اما مجاهدان که با دشمن رویارو می‌شوند، طبعاً خود را در معرض خطر قرار می‌دهند و در صورت اقتضای عملیات جهادی و لزوم هجوم بر دشمن و رسیدن به اهداف، این خطر قطعی می‌شود. بنابراین در صورتی که ولی امر نیاز وضعیت و تحقق اهداف را در گرو انجام عملیات استشهادی دید و پیروزی اسلام و مسلمانان

را در گرو آن دید که مجاهدان خود را در میان دشمن منفجر کنند؛ مساله عنوان و شکل جهاد به خود می‌گیرد (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۰).

آیت الله نمازی درباره تفاوت بین این دو می‌گوید: انتحار به معنی عرفی و رایج آن خودکشی است و دارای بار ارزشی نیست، عملیات استشهادی عبارت است از قیام جهت مقابله و انهدام مراکز و نیروهای دشمن متجاوز علیه اسلام و مسلمین است که یک حرکت و عمل ارزشی و مقابله با ظالم و متجاوز است (امیر، ۱۳۸۵، ص. ۲۵۶).

آیت‌الله نوری همدانی نیز بر این عقیده است: «این مسأله خودکشی، موضوعاً و حکماً با عملیات شهادت طلبانه نیز فرق می‌کند» (امیر، ۱۳۸۵: ۲۵۰). برخی دیگر از جمله آیت الله مؤمن ملاک داشتن و نداشتن عملیات جهادی و استشهادی را به عنوان برتری عملیات استشهادی بر عملیات انتحاری می‌دانند. آیت الله مؤمن می‌گوید: «انتحار خودکشی بی جهت شرعی است و عملیات استشهادی ملاک جهاد را دارد» (امیر، ۱۳۸۵: ۲۵۳).

برخی دیگر، عام و خاص بودن عملیات استشهادی و عملیات انتحاری را ملاکی برای جواز عملیات استشهادی و تحریم عملیات انتحاری می‌دانند. آیت‌الله گرامی در پاسخ به استفتایی که در این رابطه مطرح شده، بیان کرده است: «خودکشی معنای عام دارد، لیکن وقتی به هدف اعلاای دفاع و جهاد انجام می‌شود، حالت تقدس پیدا می‌کند و عنوان استشهاد به خود می‌گیرد و موجب انصراف ادله حرمت قتل نفس از آن می‌گردد» (امیر، ۱۳۸۵: ۲۴۹). از طرفی دیگر، عملیات دفاع از دین و سرزمین نباید به نحوی باشد که باعث رویگردانی از دین اسلام و یا شکل‌گیری نگرش منفی در بین مردم شود. استدلالی که از منظر فقهی قابل طرح است اینکه عملیات انتحاری و دیگر رفتارهای خشونت بار از این دست، تلاش‌های عالمان راستین و فرهیختگان مسلمان را برای شناساندن چهره واقعی اسلام بی‌ثمر می‌سازد. باور ندارم در این که عملیات انتحاری در میان توده های مردم برای کشتن غیر نظامیان، وهن دین به حساب می‌آید، کسی تردید داشته باشد. مرحوم امام خمینی فرموده است: «هر کاری که برای انسان ضرر داشته و یا باعث وهن دین و مذهب گردد، حرام است و مؤمنین باید از آن اجتناب کنند» (موسوی خمینی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۱۰۲۶). خرد انسان اجازه نمی‌دهد که در انتظار عمومی کاری را مرتکب شود که او را پست و زبون جلوه دهد و کسی که چنین عملی را انجام دهد، عقلای عالم او را سرزنش می‌کنند. این سخن در مورد وهن دین نیز صادق است.

۲-۱-۳. حرمت نفس و مرزبندی با خودکشی

فقه‌های اسلامی به عنوان خردمندان آگاه از شریعت و جزو از پیکره جامعه با اتفاق نظر انتحار را حرام دانسته‌اند. اگرچه تعبیراتی که مفید حرمت خودکشی می‌باشد در بیانات فقها متفاوت است، ولی نقطه اشتراک تمامی نظرات حرمت خودکشی می‌باشد که به چند نمونه اشاره می‌شود. طباطبایی حکیم معتقد است «یحرم قتل الإنسان نفسه، و هو من الكبائر»: «خودکشی حرام و از گناهان کبیره می‌باشد» (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۳۴). جواد بن سعید کاظمی می‌فرماید: «و الروایات علی حرمة قتل الإنسان نفسه من طرق الفريقین متظافرة» بدین معنا که روایاتی که در رابطه با خودکشی از طریق شیعه و سنی نقل شده است فراوان می‌باشد، اگرچه کثرت روایات به معنای حرمت قطعی خودکشی نمی‌تواند باشد، ولی از آنجا که مخالفتی با مفاد روایات صورت نگرفته است، باید به مدلول و مضمون روایات پایبند بود (کاظمی، بی تا، ج ۳: ۳۶). حسینی شیرازی می‌گوید: «قتل الإنسان نفسه، فإنه حرام مؤکد قد توعد الله علیه النار فی الآخرة»: «خودکشی حرام مؤکد است که خداوند آتش جهنم را برای مرتکب آن وعده داده است» (حسینی شیرازی، بی تا: ۱۵۱). تبریزی نیز معتقد است: «قد تقدم ما يظهر منه عدم جواز قتل الإنسان نفسه لا بالإكراه و لا بالاضطرار فی حال» (تبریزی، ۱۴۲۶: ۵۰). مفاد ادله‌ای که بیان شد، این است که خودکشی جایز نیست، حتی در صورت اکراه و اضطرار. بنابراین عملیاتی که با هدف نادیده گرفتن عدم حرمت نفس صورت گیرد، از نظر فقهی قابل قبول نیست.

آیت الله سیستانی نیز خودکشی و ایجاد ضرر قابل توجه به بدن را در ردیف مه‌ترین محرمات شریعت اسلام نام برده، می‌فرماید: «من أهم المحرمات فی الشریعة الإسلامیة؛ قتل الإنسان نفسه و كذلك إیراد الضرر البلیغ بها کإزالة بعض الأعضاء الرئیسیة أو تعطیلها کقطع الید و شل الرجل» (حسینی سیستانی، ۱۴۲۲، ۲۳). شیخ مرتضی انصاری نیز مستفاد از ادله عقلی و نقلی حرمت اضرار به خویشان را معتقد است (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۵). شهید دستغیب می‌فرماید: «خودکشی به هر وسیله‌ای که باشد حرام است» (دستغیب، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۰۵) علامه حکیم می‌فرماید: «اضرار به خویشان حرام است» (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۰: ۱۸۳). همچنین آیت الله اراکی معتقد است اضرار به نفس حرام است حدوثاً و بقائاً (اراکی، بی تا: ۶۰۲). توجه به آیات، روایات و تأکید فقها بر حرمت خودکشی، جایی برای تردید در تحریم آن باقی نمی‌ماند. به هر ترتیب رویه

مورد تأیید در عملیات استشهادی با در نظر گرفتن موارد ذکر شده قابل قبول است و در غیر این صورت نمی توان نسبت به تحقق اهداف و شعائر اسلام از دل این تحولات امید بست.

۲-۲-۳. آراء علمای اهل سنت

علاوه بر فقهای شیعی، برخی آراء علمای اهل سنت نیز به تفاوت عملیات انتحاری و عملیات استشهادی اختصاص دارد.

۲-۲-۱. دفاع از سرزمین و جنبه عمومی شهادت

از جمله شیخ یوسف قرضاوی معتقد است که عملیات استشهادی بزرگترین نوع جهاد در راه خداوند است. این نوع عملیات ترساندن و ارهاب مشروعی است که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم». با استناد به همین آیه می توان گفت که نامگذاری این عملیات به نام انتحاری، یک نامگذاری غلط و گمراه کننده است. این نوع عملیات، عملیاتی فداکارانه، قهرمانانه و استشهادی است. این نوع عملیات، انتحار نیست و انجام دهنده آن هم منتحر نیست؛ زیرا منتحر به خاطر خودش دست به خودکشی می زند، ولی شهادت طلب بخاطر دین و امتش خودش را می کشد. این جوانان شهادت طلب از سرزمین خودشان که سرزمین اسلام است و از دین و آبروی امت اسلامی دفاع می کنند. لذا عمل آنها خود کشی و انتحار نیست. آنها در حقیقت شهید هستند و جانهای خود را با رضایت کامل در راه خدا ایثار کردند. نیت آنها مخلصانه و برای خداست. آنها تروریست و منتحر نیستند. آنها مقاومت مشروع می کنند در برابر کسانی که سرزمین آنها را اشغال کرده و خانواده آنها را آواره کرده است و حقوق آنها را غصب کرده و آینده آنها را مصادره کرده است و پیوسته به این تجاوزات ادامه می دهد. دین اسلام می گوید واجب است آنها از خودشان دفاع کنند. نباید عمل این مجاهدان و شهادت طلبان القاء در تهلکه تلقی شود، بلکه عمل آنها مشروع، پسندیده و جهاد فی سبیل الله است (تکروری، ۱۹۷۷، ۱۰۶-۱۰۷). محمد بن حسن شیبانی به عنوان یکی دیگر از علمای اهل سنت بر این عقیده است کسی که به دشمن هجوم می آورد و سعی و تلاشش تحکیم دین خداست و با استقبال از شهادت می خواهد به زندگی ابدی

^۱ انفال/۶۳

دست پیدا کند، چگونه چنین عملی خود کشی و القاء در تهلکه است؟ هیچ اشکالی ندارد شخصی به تنهایی به دشمن هجوم آورد، البته زمانی که بداند با این هجوم دشمن را می‌کشد یا زخمی می‌کند و یا شکست می‌دهد (شیبانی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۶۳).

شیخ علی محمد الصباء نیز درباره تفاوت این دو عملیات، بر این عقیده است که انتحار و خودکشی تعریف مشخصی در شرع دارد و آن عبارت است از اینکه شخصی به خاطر رهایی از دردهای جسمی و روحی که تحمل آنها را ندارد و یا به خاطر ناامیدی از رحمت خداوند متعال خود را بکشد. اما کسی که عملیات استشهادی انجام می‌دهد دشمن را نابود می‌کند و دشمن را از خود و خانواده‌اش دفع می‌کند (تکروری، ۱۹۷۷: ۱۰۴). شیخ احمد کفتارو نیز در بیان تفاوت میان این دو نوع از عملیات بر این باور است که مجریان عملیات استشهادی، شهیدانی هستند که از جانب خداوند وعده بهشت داده شده‌اند. میان شهادت و خودکشی یک دنیا فاصله است. شهادت فضیلتی عظیم و خودکشی رذیلتی بزرگ، هم نزد خدا و هم نزد مردم به شمار می‌رود. زیرا شخصی که اقدام به خودکشی می‌کند نیت و هدفش کشتن و از بین بردن خویش است و بس. در حالی که شهادت طلب نیت و هدفش پیروزی حق و یاری اسلام، آزادسازی سرزمین و رفع تجاوز و ظلم و بازیابی آزادی و کرامت برای امت، ملت و نسل‌های بعد از خویش است (باقری و سالمی، ۱۳۸۱: ۲۱-۲۲).

۲-۲-۳. مردمی بودن و جنبه اجتماعی داشتن

تفاوت‌های دیگری در انگیزه و اهداف گروه‌های مقاومت با گروه‌های تکفیری و تروریستی دیده می‌شود که می‌توان به مهم‌ترین توجیحات ارائه شده برای استفاده گروه‌های مقاومت محور اشاره نمود. اولاً: عنصر پایگاه مردمی: در مقاومت ملی مسلحانه می‌بینیم که میل فراوان و فراگیر میان تمام اقشار مردم به پیوستن به صفوف مقاومت برای مقابله با تجاوزگر وجود دارد (حریز، بی تا، ۳۷) و مردم نیز به طور کلی با آنها اظهار دلسوزی می‌نمایند و کمک‌های مادی و معنوی را برای آنان ارسال می‌نمایند (مصباح دباره، ۱۹۹۰ م، ۲۸۹). در حالیکه چنین وضعیتی با گروه‌های تروریستی مشاهده نمی‌شود. به طوریکه کسانی که وارد این سازمان‌های تروریستی می‌شوند معمولاً افرادی می‌باشند که از وضعیت موجود در جامعه نگران هستند و زبان حال طیف گسترده‌ای از مردم نیستند (عامر، ۱۹۷۶ م: ۹۳). ثانیاً: عنصر انگیزه میهن دوستی: عنصر انگیزه ملی محور و قانونی است که حول آن جنبش‌های مقاومت ملی متبلور

می‌شوند و در راستای آن فعالیت می‌کنند، اما چنین انگیزه‌ای را در گروه‌های تروریستی نمی‌بینیم، بویژه آنهایی که فعالیت‌های خود را بر علیه نظام‌های حاکمیت مشروع بر اساس افکار منحرفانه انجام می‌دهند، بدون اینکه کمترین ارتباطی با میهن دوستی داشته باشند یا بر اساس منافع عمومی یا اهداف ملی متعارف در جوامع برخاسته باشند. ثالثاً: عنصر اهدافی که عملیات مقاومتی بر علیه آنها انجام می‌شود: فعالیت‌های مسلحانه مقاومت ملی بر ضد دشمن بیگانه انجام می‌شود که وجود خود را با زور نظامی تحمیل کرده و مانع استقلال سرزمینی که آن جنبش در آنجا قرار دارد می‌شود. بنابراین هدف نهایی آن استقلال و خارج شدن از یوغ استعمار است. اما اعمال تروریستی به طور طبیعی اهدافی را در داخل جامعه یا خارج از آن قرار می‌دهد، اما نه به عنوان اهداف نهایی بلکه بطور رمزی برای تأکید بر محتوای آنچه که این گروه‌ها می‌خواهند در داخل حکومت یا نظام سیاسی تلاش می‌کنند. رابعاً: مشروع بودن اعمال جنبش‌های آزادیبخش ملی: این نکته شاید اساسی‌ترین محور در تمایز بین تروریسم بین‌المللی و جنبش‌های آزادیبخش ملی باشد. زیرا اصول حقوق بین‌المللی عرفی و قراردادی هم بر این نکته صحه گذاشته‌اند و دیدگاه‌های دکترین بی‌المللی مدرن نیز از آن حمایت کرده‌اند. در حالیکه جنبش‌های تروریستی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و دولت‌ها نامشروع تلقی می‌شوند (عبدالناصر حرز، بی تا : ۳۸). بنابراین گروه‌هایی که با محوریت مقاومت و جهت دفاع مشروع از عملیات استشهادی بهره می‌برند، نه تنها ناقض حقوق بین‌الملل نیستند، بلکه به شکل قابل توجهی، نماینگر دفاع مشروع و حتی الگویی برای دیگران نیز در نظر گرفته می‌شوند که در برابر تجاوزات خارجی از خود عکس‌العمل قاطع نشان دهند.

۴. نتیجه گیری

عملیات انتحاری را می‌توان به صورت ضمنی مصداقی از تروریسم و عملیات تروریستی دانست. تروریسم به اعمال مجرمانه ای اطلاق می‌شود که هدف یا انگیزه آنها ایجاد رعب و وحشت میان عامه مردم، گروهی از آنها و یا افرادی خاص با اهداف سیاسی باشد. چهار عنصر اصلی را در تعریف تروریسم می‌توان تشخیص داد. عبارتند از: برهم زدن نظم و امنیت عمومی، به خطر انداختن جان و سلامتی شهروندان، ارباب جماع، قصد وادار ساختن دولت به انجام یا خودداری از انجام عملی خاص که در عملیات انتحاری نزد گروه‌های تکفیری نیز دیده می‌شوند.

ضمن اینکه، حقوق بشر دوستانه اعم از کنوانسیون های چهارگانه ژنو، پروتکل های الحاقی، حقوق عرفی و سایر معاهدات موجود در این زمینه بدون هیچ استثنائی اقدامات انتحاری، به عنوان مصداقی از تروریستی علیه غیرنظامیان ارتکاب یافته در جریان یک مخاصمه اعم از داخلی یا بین المللی را ممنوع می کنند. در سوی مقابل، عملیات استشهادی بر مبنای دفاع از عموم جامعه، تقدم منافع عمومی بر منافع شخصی، دفاع از حقوق، مقابله با ظلم، تجاوز و تعدی و نفی هرگونه سلطه طلبی استوار است. همچنان که در عملیات استشهادی، مجاهد مسلمان به خاطر انجام واجب شرعی که جهاد در راه خداوند است، به خاطر نابود کردن دشمن جان خود را فدا می کند.

منابع و مأخذ:

- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۴۱۸)، **أحكام أهل الذمة**، چاپ اول، الدمام: زمادی للنشر.
- ابن منظور، ابو الفضل جمال الدين (۱۴۱۴)، **لسان العرب**، مصحح: احمد فارس، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر.
- اراکي، محمد علی (بی تا)، **توضیح المسائل**، قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت.
- امیر، ملا محمد علی (۱۳۸۵)، **مبانی فقهی عملیات استشهدادی**، جوابیه استفتاء، چاپ اول، قم: زمزم هدایت.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲)، **صحیح بخاری**، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر، چاپ اول، بی جا: دار طوق النجاة.
- تکوری، هایل نواف (۱۹۹۷)، **العملیات الاستشهدادیه فی المیزان الفقهاء**، چاپ دوم، دمشق: دارالفکر.
- جبران مسعود (۱۳۸۳)، **الرائد**، ترجمه: دکتر رضا انزابی نژاد، چاپ چهارم، مشهد: به نشر.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية**، چاپ اول، بیروت: دار العلم للملایین.
- حسینی سنستانی، سید علی (۱۴۲۲)، **المسائل المنتخبة**، چاپ نهم، قم: دفتر حضرت آیه الله سینستانی.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۱۴)، **القواعد الفقهية**، چاپ اول، بیروت: المركز الثقافي الحسيني.
- حکیم، محسن (۱۴۱۶)، **مستمسک العروة الوثقی**، چاپ اول، قم: مؤسسه دار التفسیر.
- دستغیب، عبدالحسین (۱۳۶۱)، **گناهان کبیره**، تهران: کانون اندیشه های اسلامی.
- سرخسی، محمد بن احمد (۱۹۷۱)، **شرح السير الكبير**، بی جا، الشركة الشرقية للإعلانات.
- شیبانی، محمد بن حسن (۱۳۷۵)، **الجامع الكبير**، محقق: مصطفی جواد، بی جا: مطبعة المجمع العلمي.
- طباطبایي حکیم، سید محمد سعید (۱۴۱۵)، **منهاج الصالحين**، چاپ اول، بیروت: دار الصفوۃ.
- عبدالرحمان، محمود (بی تا)، **معجم الہ مصطلحات و الألفاظ الفقهية**، بی جا.
- عسقلانی، احمد بن حجر (۱۳۷۹)، **سبل السلام**، چاپ دوم، بیروت.
- فلسطینی، ابوالحسن (۱۴۳۱)، **البشرى المهدیه لمنقذی عملیات الاستشهدادیه**، بی جا: مرکز الفجر للإعلام.
- قرطبی، محمد (۱۴۲۳)، **الجامع لأحكام القرآن**، تحقیق: هشام سمیر البخاری، ریاض: دار العالم الكتب.
- کاظمی، فاضل جواد بن سعید (بی تا)، **مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام**، بی جا.
- مصباح دبار، مصطفی (۱۹۹۰)، **الارهاب و اهم جرائمه فی القانون الدولي الجنائي**، رساله ماجستير جامعة قارونس، بنغازی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، **مجموعه آثار شهید مطهری**، قم: صدرا.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۴)، **توضیح المسائل المحشی**، چاپ هشتم، قم: اسلامی.
- نوی، یحیی بن شرف (۱۳۹۲)، **المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج**، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ورعی، سید جواد (۱۳۸۲)، **مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه**، نشریه حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۷، بهار ۲۰۱۳۸۲.